

نقش دین در هویت انسان

سلطنت روایی

عضو هیئت علمی دانشگاه فنی و حرفه‌ای

sal.ravaee@gmail.com

چکیده

در میان آفریده‌های خداوند متعال، انسان بارزترین آن‌هاست. آیاتی که درباره نشانه‌های قدرت الهی است، از انسان آغاز می‌شود. «من آیاته ان خلقکم من تراب ثم اذا انتم بشر تنتشرون». در اسلام، انسان‌ها دعوت به شناخت اصالت وجودی خود شده‌اند. از طرف دیگر خودشناسی، مقدمه خداشناسی است. اگر انسان خود را خوب بشناسد، خدای خود را نیز بهتر می‌شناسد. رشد هویت در انسان بدون رشد خودآگاهی امکان‌پذیر نیست. انسان‌ها دارای ارزش‌های بالقوه هستند، که اگر به فعلیت برسند، او را به مقام انسان واقعی می‌رساند. در این راستا، دین و تعالیم مذهبی راه‌گشا هستند و به انسان در جهت رسیدن به کمال و تعالی و دستیابی به مقام والای انسان کامل کمک می‌کنند. ما نیز به‌عنوان یک مسلمان در جامعه ایران، متأثر از آموزه‌های دینی هستیم. به‌نوعی می‌توان گفت که هویت ایرانی و اسلامی یکی است. برای مصون ماندن از بحران هویت، پایبندی به دین ضرورت دارد. تعالیم ادیان آسمانی مخصوصاً دین مبین اسلام در زمینه هویت‌پذیری بسیار غنی است. زیربنای هویت از هر نوع و با هر عنوانی که باشد، دین و مذهب است و بحران‌های هویتی در صورت بی‌توجهی یا کم‌توجهی به مباحث دینی پیش می‌آید. با توجه به مطرح‌شدن مباحثی چون عصر جهانی‌شدن و تهدید هویت ملی و دینی؛ ضرورت اهتمام بیشتر مسئولین به بحث هویت‌یابی احساس می‌گردد. پژوهش حاضر با رویکرد بررسی نقش دین در هویت انسان صورت گرفته است. این پژوهش از نوع توصیفی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژگای کلیدی: دین، هویت، انسان

۱- مقدمه

اصولاً در نظام فرهنگی اسلام، دین عنصری در کنار سایر عناصر نیست بلکه محور و اساس فرهنگ اسلامی است و تجلی آن در تمامی مظاهر فرهنگی از معماری تا ادبیات و از پزشکی تا آداب و رسوم قابل مشاهده است. مقام معظم رهبری می‌فرماید: ما یک جامعه اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم. (۱۳۹۰: ۱۸) قرآن هدف از خلقت انسان را عبادت و بندگی می‌داند و از سویی در مراتب بالاتر عنوان می‌دارد که عبادت، هدف متوسط آفرینش است و هدف نهایی رسیدن به معرفت و یقین است؛ که رسیدن به این مقام با تفکر و دریافت انوار هدایت الهی حاصل می‌شود؛ چرا که ظرفیت و استعدادهای عظیم انسانی اگر با ایمان و تفکر دینی هدایت نیابد، انسان به بدتر از حیوان تبدیل می‌شود. (همان، ص ۲۰۶) "ولو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض" و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان‌ها و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم. (اعراف، ۹۶) هدف نظام اسلامی، پرورش انسانی و کمک به تعالی و کمال اوست. غایت تربیت، شناخت خداوند و اّتصاف به صفات الهی است و این راه از خود انسان می‌گذرد. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيكُمْ أَنْفُسُكُمْ» (مائده: ۱۰۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر

شما باد نفس‌هایتان. اگر آدمی، دستورات دینی را سرلوحه کارهای خویش قرار داده و به ائمه معصومین تاسی جوید، قطعاً راه کمال را خواهد یافت.

می دانیم که برخورداری از دین و تعالیم مذهبی و وفاداری به آن در فرآیند شکل دهی هویت مخصوصاً هویت ملی بسیار موثر است. مذهب از لحاظ کارکردی عامل مهمی در روابط اجتماعی به حساب می آید و موجب سرزندگی و دلگرمی می‌شود. پایبندی به دین و آموزه‌های آن، هویتی به فرد می‌بخشد که به پشتوانه آن از سرگشتگی و بحران هویت به دور می‌ماند. ایمان دینی و مفاهیم وابسته به آن می‌تواند به فرد اراده و استواری ببخشد که بحران هویت در او فروکش کند. به قول آیت اله جوادی عاملی هویت آدمی در دین او تجلی کرده و خلاصه می‌شود. از نگاه روان‌شناسان صاحب نظری همچون اریکسون (۱۹۶۷)، گلاسر (۱۹۷۲)، راجرز (۱۹۶۱) و فروم (۱۹۴۱) عواملی از قبیل جهان بینی منسجم و واضح، آرامش اجتماعی، توفیق و پیروزی، تجربه گری و خود پذیری، مولد بودن، عشق و محبت و بخصوص آزادی و امنیت در زمره عوامل دخیل در تشکیل یک هویت سالم، یکپارچه و بالنده برای اجتماع و آحاد آنند. (حسن آبادی، ۱۳۸۷: ۳۸)

در جامعه اسلامی ما نیز که اسلام و آموزه های دینی حاکم است، انسان ها دعوت به شناخت اصالت وجودی خود شده اند؛ چرا که تا انسان زوایای وجودی خود را به طور کامل نشناسد، از شناخت دیگران عاجز خواهد ماند. شناخت جامعه پس از شناخت خود و دیگران امکان پذیر است. تا زمانی که فردی خود را به درستی نشناسد دچار تزلزل شخصیت و به نوعی سرگشتگی و بحران هویت شده و نمی تواند در جامعه بطور موثری ایفای نقش نماید. البته باید توجه داشت در عصر حاضر که سرعت تغییر و تحولات بسیار زیاد است، مسائلی تحت عنوان جهانی شدن یا جهانی سازی مطرح است.

برخی ادعا دارند که جهانی شدن گونه ای همسان سازی فرهنگی و هویتی را به دنبال داشته و زمینه جهت گیریها و گرایش های جهانی فرهنگ یا فرهنگ واحد جهانی در ورای هویت‌های ملی رشد کرده و در نهایت بر آنها غالب می‌گردد. همچنین معتقدند که از جمله پیامدهای جهانی شدن، نقش آفرینی نیرو های واگرا و هم‌گرایی است که بنیاد هویت ملی، همبستگی ملی و یکپارچگی سرزمین واحد های سیاسی نا همگن را از لحاظ فرهنگی به چالش کشیده اند. (پورا احمدی، ۱۳۸۰: ۱۲۱)

هویت ساز، کارکردی نا همسان یافته‌اند یا کارکرد سنتی آن‌ها به چالش کشیده شده است. (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۵)

در نهایت اینکه، با شروع فرایند جهانی شدن و گسترش فناوری ارتباطات، منابع هویت بخش جدیدی همچون ماهواره و اینترنت ظهور کرده است و در نتیجه هویت فرا ملی و از سوی دیگر هویت بخشی و قومی بیش از پیش تجلی پیدا کرده است. (ملکی، عباسپور، ۱۳۸۸) با این حال منبع اصلی هویت ملی در جوامع سنتی، نهادهای اجتماعی، دینی و سیاسی بوده و کماکان نیز هستند. در بسیاری از جوامع سنتی و در حال توسعه، ایدئولوژی عامل مسلط در فرایند هویت یابی در سطوح خرد و کلان است. در این مقاله سعی شده تا ضمن ارائه تعاریفی از مفاهیم دین و هویت، به یکسری از نظریات مرتبط با نقش دین در هویت انسانی پرداخته و در نهایت یک جمع بندی ارائه می‌گردد.

۲- چارچوب نظری پژوهش

در این قسمت ابتدا مختصری به مفاهیم دین و هویت پرداخته و سپس مباحث مرتبط مطرح خواهد شد.

۲-۱- مفهوم دین

دین باوری که همانا اعتقاد داشتن به مرکزیت خدایی همه جا حاضر است، همیشه با فرهنگ ایرانی همراه بوده است. از سوی دیگر توجه کنیم که دین به مجموعه پیچیده ای از وحی، آموزه، کلام، فلسفه عرفان و بالاتر از همه اخلاق گفته می‌شود به زبان دیگر، دین به عنوان الگوهای اندیشه، رفتار فرهنگ مبتنی بر وحی اطلاق می‌شود که معتقد است زندگی در چارچوب و بر اساس وحی موجب آرامش دنیا و رستگاری ابدی می‌شود. به اعتقاد آیت الله جوادی آملی هویت آدمی در دین او تجلی کرده و خلاصه می‌شود و هویت بشر را دین می‌سازد.

به اعتقاد مطهری دین، چیزی است که اقتضای آن در سرشت و ذات انسانی هست؛ یعنی طلب او، خواست او و جستجوی او در طبیعت انسان هست.

معنای اصطلاحی دین در قرآن عبارت است از: برنامه و نظام کامل، شامل و فراگیری که از یک سو بیان کننده وجود فرمانروا و فریادرس مطلق است که بر اجزا و اعضای پیدا و پنهان هستی احاطه کامل دارد و از سوی دیگر نمایانگر فرمان پذیری و بندگی پناه جویی است که وجود، فرمان، قدرت و احاطه آن فرمان روا را پذیرفته است. در عرف عمومی، دین را به پاره ای رفتار های معطوف به رهبانیت، زهد گرایی، آخرت اندیشی و به طور کلی برخی اعمال و مناسک عبادی خاص و مشخص می دانند؛ به طوری که معتقدند کاربرد و کارکرد دین همین امور است و بس. (ویسی ۱۳۸۵، صص ۴۸-۴۶)

بنابراین دین منشوری است از توصیه ها (باید ها- نباید ها) و گزاره های توصیفی که از طرف خدا به انسان ارائه شده است. مولفه های یک فرد متدین عبارت است از:

الف) دریافت کردن گزاره هایی از قبیل "خدا یکی است" و "روز واپسین وجود دارد" که توصیفی اند.

ب) التزام و ایمان قلبی نسبت به گزاره های توصیفی فوق

ج) تعهد برای عمل به آن باور و این التزام قلبی که فرد باید اعمال خود را تابع احکام قرار دهد.

باید آگاه بود که هر جهان بینی هم زمان با تحمیل زبان خویش، ارزشها ی خود را نیز تحمیل می کند. کسانی که حوزه زبانی خاصی را می پذیرند، ارزش های آن را نیز پذیرفته اند. (درانی، ۱۳۷۳: ۵۲) به نظر شیخ عبده، اصول اسلام یا شاخصه های مهم دین اسلام در برابر سایر ادیان عبارت است از:

۱- نگاه عقلی جهت کسب ایمان

۲- مقدم ساختن عقل بر ظاهر شریعت در هنگام تعارض

۳- معتبر دانستن سنت های خداوند در آفرینش

۴- جمع بین مصالح دنیا و آخرت. (ویسی، ۱۳۸۵، ص ۷۳)

باید توجه داشت که دین برای جاودانه ماندن، یا باید در نهاد بشر جای داشته باشد، و یا لاقلاً اگر خودش خواسته طبیعی بشر نیست، باید تامین کننده خواسته های دیگر بشر باشد (سعادت فر، ۱۳۸۷، صص ۱۸۰-۱۷۶)

۲-۲- مفهوم هویت

هویت به دو معنای ظاهراً متناقض به کار می رود: ۱- همسانی و یکنواختی مطلق ۲- تمایزی که در برگیرنده ثبات یا تداوم در طول زمان است. (ملکی، عباسپور ۱۳۸۸) هویت عبارت است از فرایند معنا سازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته ای از ویژگی های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می شود. (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۲) هویت در لغت به معنی این همانی و به معنای شناسایی و همسان ساختن می باشد. هویت آنچه موجب شناسایی شخص یا چیزی می شود. (روایی، ۱۳۷۸، ص ۳۶) این شناخت، برترین معرفت ها و حکمت ها ست. چنان که در سخنان امیرمؤمنان علیه السلام نیز آمده است: «برترین معرفت، شناخت آدمی است خویشتن خود را» و نیز می فرماید: «برترین حکمت، شناخت آدمی است خویشتن خود را.» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۶۳) هویت به معنای حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات و هستی گفته می شود.

هویت ها پدیده هایی عاری از اقتصاد، مذهب، ایدئولوژی، تاریخ و جغرافیای خاص خود نیستند؛ بلکه با در نظر داشتن ساختار عینی اجتماعی، ایجاد و تعریف شده و در طول زمان دوباره تفسیر می شوند. به عبارت دیگر در ساخت هویت ها، ساختار عینی و مادی جامعه ... و ساختار معرفتی از جمله: فرهنگ، زبان، آرمان ها، ایدئولوژی و سنت همزمان نقش دارند. (منتظر قائم، ۱۳۷۷)

هویت، مفهومی ناظر به حالات و اعمال شخصی و ریشه در تربیت خانوادگی، آموخته های فرهنگی و باور های اجتماعی دارد و تشخیص و فردیت یک شخص یا یک جامعه را تشکیل می دهد. هویت در اثر فرایندهای اجتماعی شکل می گیرد و پس از تبلور باقی مانده، دگرگون شده یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی از نو شکل می گیرد. (برگر، ۱۳۷۵، ۲۳۶)

هویت با تقویت وجه تمایز فرد با دیگران، مجموعه ای از خصایل فردی را در فرد پدید می آورد که جزئی از معنا و هستی وجود او تلقی می شود که فرد به اعتبار آن و با اتکا به آن می تواند خود را از دیگران متمایز بداند و برای خود حق و قدرت انتخاب قائل شود و توان برقراری ارتباط با دیگران را در خود احساس نماید. (سجادی، ۱۳۸۴)

مسئله هویت را می توان از دو منظر روان شناختی و جامعه شناختی بررسی کرد. اولین کسانی که به مسئله هویت پرداختند روان شناسان بودند. روان شناسان برای تبیین مراحل رشد ذهنی و شکل گیری مفهوم خود، و جامعه شناسان به دلیل شرایط اجتماعی و ورود به یک دوره مدرن به صورت فردی و اجتماعی به این مسئله پرداختند. خودشناسی یکی از ویژگی های مهم هویت انسان است. اساسا رشد هویت در انسان بدون رشد خودآگاهی امکان پذیر نیست. انسان باید جهان درون خود را به کمک عقل کشف کرده و به آن آگاهی یابد. هویت یابی، فرایند رسیدن به شخصیت وحدت یافته دوره بزرگسالی است که از همانند سازی های هویت پیشین و عوامل موثر دیگر نشات می گیرد. هویت هر فرد برآیندی از هویت واقعی، هویت آرمانی و هویت مورد انتظار است. (روایی، ۱۳۷۸، ۳۷)

آن چه که مهم است این است که هویت یابی در دوره نوجوانی و جوانی از اهمیت بیشتری برخوردار است. امیرالمومنین علی (ع) در نامه ای خطاب به فرزندش امام حسن (ع) فرمود: « همانا قلب جوان همانند سرزمین خالی است، آنچه در آن بکارند می پذیرد و من پیش از آنکه دلت سخت گردد به ادب تو مبادرت ورزیدم». بنابر این مسئولان هدایت دینی باید بیش از دیگران دل های جوانان جامعه را با فرهنگ الهی احیا کنند. اریکسون معتقد است: "نوجوانان بین سنین ۱۲ تا ۱۸ سالگی در کسب هویت فرهنگی خود که جزو مهمی از هویت عمومی آنهاست، به دنبال ایده آل های خانوادگی، اجتماعی و مذهبی می گردند. روان نوجوان، روانی است ایدئولوژیک، در جستجوی وحدت بخشیدن به عقاید مختلف. (همان)

در این مرحله، نوجوان با سؤال "من کیستم" و نقش من در اجتماع چیست؟ به دنبال هویت یابی است و سعی در ایجاد روابط صمیمانه با دیگران دارد. در این مرحله فرد می کوشد دیگران را در هویت و اصالت خود شرکت دهد و به آنان تقرب جوید و یگانگی برقرار سازد. یعنی به جای "من" "ما" بگوید. آشفتگی نقش در این مرحله خطرناک است؛ زیرا ممکن است نوجوان قادر نباشد مفهوم پیوسته و منسجم "خود" را با بسیاری از نقش های ممکن ربط داده یا ترکیب کند. (احدی، ۱۳۷۳: ۱۱۶-۱۱۳)

در سنین نوجوانی و جوانی شخصیت فرد شکل می گیرد و در طی روند جامعه پذیری و فرهنگ پذیری، ارزش ها و هنجارهای جامعه خود را درونی می کند و براساس آن رفتار و اندیشه های خود را شکل می دهد. حال اگر در این سنین در روند درونی کردن ارزش ها و هنجار های دینی خللی ایجاد شود و جوانان نتوانند پایه اساس محکمی برای رفتار و اندیشه های دینی خود پیدا کنند، دچار نوعی سرگشتگی در مواجهه با مسائل و پدیده های دینی خواهند شد. (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸)

از نگاه روان شناسان صاحب نظری همچون اریکسون (۱۹۶۷)، گلاسر (۱۹۷۲)، راجرز (۱۹۶۱) و فروم (۱۹۴۱) عواملی از قبیل جهان بینی منسجم و واضح، آرامش اجتماعی، توفیق و پیروزی، تجربه گری و خود پذیری، مولد بودن، عشق و محبت و بخصوص آزادی و امنیت در زمره عوامل دخیل در تشکیل یک هویت سالم، یکپارچه و بالنده برای اجتماع و آحاد آنند. (حسن آبادی، ۱۳۸۷، ص ۳۸)

هویت از دو بعد مورد مطالعه قرار می گیرد: یکی از بعد فردی که هم زمان با رشد فرد در جریان اجتماعی شدن شکل می گیرد و موجب می شود که تا فرد نشان دهد که "من کیستم" و دیگری از بعد اجتماعی و بیانگر این مطلب است که "دیگران کیستند". هویت دارای سطوح و جنبه هایی است که هم زمان با رشد فرد حاصل می شود.

۲-۲-۱- **هویت فردی:** هویتی است که به ویژگی های فردی اشاره دارد و فرد به وسیله آن ویژگی های خود را معرفی می کند و همان مشخصات و ویژگی های منحصر به فردی است که فرد را از غیر متمایز می کند. هویت فردی بیشتر در چارچوب روابط اشخاص جلوه می کند (عیوضی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۰)

۲-۲-۲- **هویت جمعی:** نشان دهنده تعلق فرد به یک جمع می باشد. هویت اجتماعی، هویتی است که فرد در فرایند اجتماعی شدن و در ارتباط با گروه ها یا واحد های اجتماعی موجود در جامعه، کسب می کند و مشخص ترین آنها گروه یا واحد اجتماعی یا حوزه و قلمرویی است که خود با ضمیر "ما" به آن اشاره می کند و خود را از لحاظ عاطفی و تعهد و تکلیف، متعلق و منتسب و مدیون به آن می داند. (عبدللهی، ۱۳۷۲، ۱۴۲)

۳-۲- انواع هویت

۳-۳-۱- **هویت ملی:** هویت ملی، احساس وفا داری و تعلق به عناصر و نماد های مشترکی چون ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی است. (توسلی، ۱۳۸۱، ۸۵) هویت ملی را تقریباً آخرین هویت اکتسابی می دانند که توسط فرد طی جامعه پذیری از طریق خانواده، مدرسه و رسانه کسب می شود. (شیخاوندی، ۱۳۷۹، ۱۳) و بالاترین سطح هویت جمعی در هر کشوری است. (عبدللهی، ۱۳۷۵، ۱۴۲) هنگامی که مجموعه ای از انسان ها در سرزمین معینی زندگی می کنند به تدریج در بستر زمان دارای سنتها، عادات، باورها، اخلاقیات و احساسات مشترکی می شوند که از مجموع آنها فرهنگ به وجود می آید که از آن به فرهنگ ملی تعبیر می کنیم. فرهنگ ملی قطع نظر از اینکه درست باشد یا غلط، پیشرفته باشد یا عقب مانده، هویت یک ملت را تشکیل می دهد و در قالب همین هویت با سایر ملت ها به تعامل داد و ستد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می پردازد و بر اساس همین هویت است که نهادهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یک ملت تشخیص پیدا می کند.

عناصر تمایز بخش هویت ملی، مجموعه ای از عناصر از زبان و نژاد و دین گرفته تا فرهنگ و تاریخ و حقوق شهروندی را در برمی گیرد. (مفتخری، ۱۳۷۸: ۳۳۷) ارزش ها، سمبل ها، ساحت خاص تاریخی و نیز الهامات خاص، به یک جامعه اجازه می دهد تا خویشتن را از جوامع دیگر متمایز سازد و با ایجاد نیرویی خلاق، خود را در مقابل دیگر جوامع شناسایی کند. (درانی، ۱۳۷۳، ۵۲) فرایند هویت یابی در تمام سطوح آن مخصوصاً در سطح هویت ملی، بر اساس منابع هویت سازی انجام می شود که در هر جامعه در اختیار اعضا قرار می گیرد. این منابع بر حسب شرایط مختلف جامعه تغییر می کند. از جمله شرایط و ابزار هویت ساز می توان به مکان و فضا، زمان و فرهنگ اشاره کرد. (ملکی، عباسپور، ۱۳۸۸) عوامل موثر بر هویت ایرانی به گمان شهید مطهری دو پایه مهم دارد، که شامل ایرانی بودن و علاقه ایرانیان به اسلام است. ایران و اسلام به روایت شهید مطهری دو روی یک سکه هستند که با هم تحول یافته اند. ایرانیان که سابقه فرهنگ و تمدن داشتند اسلام را با عقل و اندیشه و خواسته های فطری خود سازگار می دیدند و گمگشته خویش را در اسلام یافتند. او از این مباحث این نتیجه را القاء می کند که هویت ایرانی و اسلامی یکی است به عبارت دیگر ایرانی بوسیله اسلام خود را کشف کرد و سپس آن را به جهانیان شناساند. (فروزنده پور، ۱۳۸۷)

۳-۳-۲- **هویت قومی:** هویت قومی، بر بنیاد وجوهی از فرهنگ یعنی زبان، مذهب، آداب و رسوم و از این دست شکل می گیرد. (اتابکی، ۱۳۷۳: ۷۰) غالباً در درون یک ملت تیره ها و نژادهای گوناگونی وجود دارد، کمتر ملی پیدا می شود که متشکل از یک نژاد و تیره باشد. این تیره ها و نژادها از ویژگی های جسمی و روحی متفاوت با یک دیگر برخوردارند، مثلاً از نظر جسمی یک تیره و قوم کم مو است و دیگری پر مو، یکی قد بلند است و دیگری قد کوتاه، یکی چشمان بادامی دارد و دیگر چشمان گرد همچنین از نظر روحی نیز تفاوت هایی وجود دارد. مجموعه این ویژگی ها در یک قوم و تیره، هویت خاص پدید می آورد که با همین هویت از دیگران متمایز می شود. قرآن کریم نیز تنوع تیره های انسانی و تمایز های ناشی از آن را به رسمیت شناخته و تأیید کرده است، آنجا که می فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکرو انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم

عندالله اتفاقم» چنانچه مشاهده می‌شود شاخه، شاخه شدن و در قالب شعب و قبیله در آمدن انسان‌ها در اصل دستگاه آفرینش تعبیه شده و هدف از آن هم "تعارف" و شناخت متقابل مجموعه‌ها از یک دیگر معرفی شده است. واضح است که شناخت معلول تفاوت است و تفاوت شامل ظاهر و باطن، صورت و معنا و جسم و روح می‌شود. پس شناخت متقابل نتیجه یک هویت است. هویت ملی مشروعیتش را از دولت برخاسته می‌گیرد و هویت قومی از عناصر مشترک فرهنگی (مفتخری، ۱۳۷۸: ۳۳۷)

۲-۳-۳- هویت فرهنگی: هویت فرهنگی، احساس تعلق و همبستگی با جامعه و فرهنگ آن است به گونه‌ای که در رفتار اعضا تاثیر بگذارد و اکثریت اعضاء رفتار مشابهی داشته باشند و عضو این جامعه از سایر جوامع متمایز گردد. هویت فرهنگی، خود برآیند هویت مذهبی، هویت ملی و هویت فردی ما است. (روایی، ۱۳۷۸: ۳۷) هویت فرهنگی هر جامعه، به مثابه اصل نبوغ، خلاقیت و انتقال تاریخ گذشته و دریاچه تاریخ آینده است. این هویت همچنین آئینه تمام نمای تصویر یک جامعه و ارتباط آن جامعه با دیگر جوامع است. با تکیه بر هویت فرهنگی، هر جامعه‌ای، می‌تواند هم زمان حیات بالقوه خویش را تعیین کند و هم عناصر فرهنگی دیگران را تجزیه و انتخاب کند و بدین‌وسیله روند بی‌وقفه خلاقیت و نبوغ خویش را پی بگیرد.

۲-۳-۴- هویت عقیدتی (دینی): انسان‌ها چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی نسبت به خود، دیگران، محیط و زندگی، بینش‌ها و باورهای دارند. این باور‌ها اعم از آن که درست باشد یا نادرست، حق باشد یا باطل، منشأ پیدایش اخلاق، احساس و رفتار خاص در انسان‌ها می‌گردد. یعنی هر انسانی بر اساس ساختار شخصیت اش رفتار می‌کند. طبیعی است که عنصر اساسی و زیر بنای شخصیت "باور و عقیده" است، پس عقیده هم چون سایر قالب‌های دیگر، عامل ایجاد هویت و تشخیص در انسان بوده و قوی‌ترین و برجسته‌ترین هویت ناشی از عقیده و باور است که تمام هویت‌های دیگر را تحت تأثیر قرار داده و گاهی از بین می‌برد. به اعتقاد امام موسی صدر چهار عامل؛ انسانیت، ملیت، قومیت و عقیده مهمترین عوامل هویت ساز و شخصیت آفرین برای انسان است. شاید بتوان گفت هویت دینی از مهم‌ترین عناصر ایجاد کننده همگنی و همبستگی اجتماعی در سطح جوامع است که طی فرآیندی با ایجاد تعلق خاطر به دین و مذهب در بین افراد جامعه، نقش بسیار مهمی در ایجاد و شکل‌گیری هویت معین دارد و به عبارتی عملیات تشابه‌سازی و تمایز بخشی را انجام می‌دهد. (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸) بنابر فرمایش امام رضا (ع)، ایمان از جمله عناصر اصلی در تشکیل هویت حقیقی انسان است.

۲-۴- نقش دین در هویت انسان

اسلام آفرینش انسان را هدفمند معرفی می‌کند و هدف از خلقت انسان را عبادت و بندگی خدا و رسیدن به قرب ربوبی که کمال نهایی انسان است، بیان می‌کند. انسان کامل از نظر قرآن فردی است که به قرب خدا رسیده است، یعنی حضور خدا را در همه جا با علم حضوری کشف کرده و خود را کاملاً وابسته به خدا می‌بیند، قطعاً چنین کسی محبوب در گاه الهی است. (سعادت‌فر، ۱۳۸۷، ۲۷۴) از نظر امام موسی صدر، قالب‌های تمایز بخش و شخصیت ساز متعدد و گوناگون است و انسان در هریک از آن قالب‌ها، هویت جداگانه می‌یابد. در نتیجه برای هر انسان یا مجموعه انسانی هویت‌های گوناگون وجود دارد. انسان موجودی است متمایز و متفاوت از موجودات دیگر. آنچه این تفاوت را ایجاد کرده است مجموعه ویژگی‌هایی است که برخی به جسم و برخی دیگر به روح او مربوط می‌شود. از نظر جسمی موجودی است راست قامت با پیشانی پهن، که با دو پا راه می‌رود و از پوست صاف و کم مو برخوردار است. اما از نظر روحی و روانی مجموعه از گرایش‌ها، تمایلات و توانمندی‌هایی است که مهمترین آنها تعقل، تعالی طلبی، حقیقت‌جویی و زیبایی دوستی است. مجموعه ویژگی‌های جسمی و روحی انسان که وی را از دیگران موجودات متفاوت می‌سازد «انسانیت» نامیده می‌شود که به اصطلاح فیلسوفان نوعیت انسان را در برابر انواع دیگر رقم می‌زند. پس نخستین هویت انسان، انسانیت اوست.

انسان حیوانی است که با دو امتیاز علم و ایمان از دیگر جانداران امتیاز یافته است. (سعادت فر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸) به تعبیر امیرالمومنین (ع): الصورة صوره انسان و القلب حیوان؛ ارزش‌های انسان، ارزش‌های بالقوه هستند، که اگر در انسان به فعلیت

برسد او را به مقام انسان واقعی می‌رساند. (همان: ۱۵۹) به نظر مطهری اگر انسان استعدادهاى خو را به فعلیت برساند شایسته نام انسانیت خواهد بود و اگر آن استعدادها را به فعلیت نرساند و یا تحت تاثیر عوامل بیرونی فعلیتی غیر از آن فعلیتی که باید باشد، حاصل شود، به تعبیر وی انسان یک موجود مسخ شده خواهد بود. (همان، ص ۱۶۶) در اسلام انسان محور است. البته محور بودن انسان در اسلام با محور بودن انسان در مکاتب دیگر به کلی متفاوت است. مسائلی چون عدالت، امنیت، رفاه، عبادت و... برای این است که انسان سعادت‌مند شود. خودشناسی یکی از ویژگی‌های مهم هویت انسان است. اساسا رشد هویت در انسان بدون رشد خودآگاهی امکان‌پذیر نیست. انسان باید جهان درون خود را به کمک عقل کشف کرده و به آن آگاهی یابد. پیامبر اکرم علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»؛ هرکس به خودشناسی موفق شود در حقیقت، به خداشناسی دست یافته است. هرکس پروردگارش را فراموش کند، خود را فراموش کرده است و در نتیجه، برای روز واپسین خود توشه‌ای نیندوخته است. در نهایت آن چیزی که از نگاه اسلام برای انسان مطرح و مهم است، نجات خودش است. از منظر اسلام، دست‌یابی به حقیقت شخص که همان هویت انسانی است، با خودشناسی محقق می‌گردد. از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ شناختی چون شناخت خویشتن نیست. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ۶۳) قرآن کریم با تبیین امور واقعی انسان و جدا سازی آنها از امور ظاهری، هویت حقیقی آدمی را به تصویر می‌کشد و راه حرکت انسان به سوی این هویت حقیقی را هموار می‌سازد. امور ظاهری اصالت نداشته و در هویت پایدار انسان، نقشی ندارند. بلکه، چیزی در هویت حقیقی انسان، نقش آفرین است که همواره با او باشد و مرگ و برزخ و نیز بهشت و دوزخ، آن را از انسان جدا نسازد. قرآن کریم در این باره از سه عنصر اساسی به نام اعتقاد و اخلاق و اعمال یاد می‌کند و آنها را از ارکان سازنده هویت انسان می‌شمارد. اگر آن عنصرهای سه گانه یعنی اعتقاد و اخلاق و اعمال، بر اساس آموزه‌های پیامبران الهی شکل گیرد، از مجموع آنها با نام «دین» تعبیر می‌شود و تنها آیین رسمی در پیشگاه خدا یعنی اسلام، حاصل می‌گردد که: (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) و کسی که واجد عناصر محوری مزبور باشد انسان خواهد بود. هر آنچه از سنت‌ها، صفت‌ها و عادت‌های موجود در جامعه انسانی، از ره آورد پیامبران آسمانی و یا دست آورد عقل و فطرت بشری به شمار آید، در هویت انسان، دارای نقش است. اگر اصالت انسان از آن روح است و روح وی در اندیشه ناب خلاصه می‌شود و اندیشه صحیح، هویت انسان را می‌سازد که: «ای برادر تو همان اندیشه‌ای». قرآن کریم غفلت را یکی از عوامل بحران هویت می‌داند؛ زیرا موجب گرایش شخص به پوچی و بی‌هدفی می‌شود و انسان را به تباهی می‌کشاند. (متقی فر، ۱۳۸۹). در بسیاری از بحران‌های هویتی، دین با قواعد کلی و عمومی به بهره بردن از عقل و اندیشه و تجربه بشری توصیه می‌کند و یافتن راه کارهای عملی را به انسان واگذار می‌نماید. در توضیح مراحل رشد هویت از بعد دینی، دو محرک اصلی «عقل» و «نفس» وجود دارد. نفس همان مجموعه گرایش‌های انسان نسبت به محرک‌های خوشایند و دافعه‌های او نسبت به محرک‌های ناخوشایند است. هریک از این نفوس (نفس اماره، نفس لواّمه، نفس مطمئنه) شخصیت انسان را در مرحله‌ای خاص قرار می‌دهد. کسی که صاحب نفس اماره است، محرک اعمالش در این مرحله، محرک‌های نفسانی است. کسی که در مرحله نفس لواّمه است، محرک بسیاری از رفتار او نفس است، اما عقل با آگاهی و استدلال، برخی اعمال را زیر سؤال برده و او را مورد سرزنش قرار می‌دهد. نفس مطمئنه تحت سیطره کامل عقل درآمده و عقل است که اعمال و رفتار را تعیین می‌کند. (احمدی، ۱۳۸۶، صص ۱۷۵-۱۷۴) اگر آدمی ودیعه‌های الهی را به کار گیرد و دعوت انبیا را بشنود و روزنه قلبش را به روی امدادهای الهی بگشاید، بی‌شک، زندگی سرشار از سرور و خرسندی را پیش رو خواهد داشت و از دغدغه‌های حاصل از بحران هویت در امان خواهد ماند. ضرورت وجود دین و پای‌بندی به آن، برای برخی روان‌شناسان نیز آشکار شده است.

نتیجه گیری

انسان‌های روی کره زمین را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

۱- انسان‌های دین دار و مومن به خدای واحد ۲- انسان‌های بی دین و ملحد. انسان‌های دین دار، مومن به خالق هستی بوده و دو بعدی می‌اندیشند. هم به فیزیک و هم به متافیزیک اعتقاد دارند. ولی انسان‌های ملحد تک بعدی بوده و فقط و فقط

ماده را اصل میدانند و بعد معنوی را انکار می کنند و شناختشان از دنیا و خود شان منحصر در بعد ماده خلاصه می شود و این بزرگ ترین مانع و محدودیت رشد واقعی آنان است. این افراد دارای افق دید محدود بوده، لذا زندگی را در منفعت طلبی، خواب، شهوت، خشم و... خلاصه می کنند. برای هر چیزی، پایانی متصورند. در واقع به نوعی زندگی حیوانی دارند. اما پرورش یافتگان مکاتب آسمانی و در راس آنها دین کامل اسلام، دین را محور و اساس همه عناصر تشکیل دهنده زندگی بشری می دانند. چون دین بر اساس معرفت و شناخت و یقین نسبت به مبدا و معاد استوار است، لذا خروجی آن، انسانی کامل و بالنده می باشد. به عبارت دیگر؛ هدف نهایی نظام اسلامی، پرورش انسان ها از طریق شناخت خود و خدای خود و کمک به تعالی و کمال او برای رسیدن به حیات طیبه است. انسان دین دار و مومن، انسانی هدفمند است و به عبارت دیگر پوچ گرا نیست. دین سبب می شود که انسان معتقد و با اخلاق بوده و اعمالش در جهت رضای خدا باشد. انسان دین دار انسانی متمایز از دیگران در اندیشه، اعتقادات و رفتار است. هویت انسان دین دار و مومن، هویتی خدایی و کامل است. چرا که هست و نیست ها (جهان بینی)، باید ها و نباید ها (ایدئولوژی) را خوب می شناسد و خوب می داند که خودش کیست؟ دیگران کیستند؟ و از آنجایی که خود و خدای خویش را خوب می شناسد، لذا از نظر وفاداری به عناصر و نماد های مشترک مانند میهن و دین و فرهنگ، فردی کامل است. رفتارش و عملکردش برای رضای خدا بوده و دارای هویتی مناسب است.

منابع

۱. اتابکی، تورج. (۱۳۷۳). " ملیت، قومیت و خود مختاری در ایران معاصر"، مجله گفتگو، شماره ۳.
۲. احدی، حسن. بنی جمالی، شکوه السادات. (۱۳۷۲). روان شناسی رشد. تهران: چاپخانه بنیاد، چاپ ششم.
۳. احمدی، علی اصغر (۱۳۸۶). روان شناسی شخصیت از دیدگاه اسلام، تهران: امیر کبیر، ج پنجم. صص ۱۷۵-۱۷۴.
۴. باقری، خسرو. (۱۳۷۹). تربیت اسلامی "تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم"، مرکز مطالعات اسلامی.
۵. برگر، پیتزل . کوکمان، توماس. (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۶. بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، (۱۳۹۰). مجموعه مقالات همایش ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ناشر: دانشگاه سهند تبریز، چاپ اول.
۷. پور احمدی، حسین. (۱۳۸۰). "فرایند های جهانی شدن و چالش های مفاهیم در رخداد یازده سپتامبر"، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۵، شماره ۴.
۸. توسلی، غلام عباس . قاسمی، یار محمد. (۱۳۸۱). "مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی، مطالعه موردی ایلام"، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴.
۹. جعفرزاده پور، فروزنده. (۱۳۸۷). خلاصه مقالات همایش ملی جوانان و هویت ایرانی : هم سازی عناصر دینی و ملی، ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
۱۰. حافظ نیا، محمد رضا. کاویانی راد، مراد. کریمی پور، یداله. طاهر خانی، مهدی. (۱۳۸۵). "تاثیر جهانی شدن بر هویت ملی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه های دولتی شهر تهران، فصلنامه ژئو پولیتیک، سال دوم شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان.
۱۱. حسن آبادی، حسین. (۱۳۸۷). "هویت سازی °هویت سوزی"، خلاصه مقالات همایش ملی جوانان و هویت ایرانی: همسازی عناصر دینی و ملی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
۱۲. درانی، کمال. (۱۳۷۳). "درآمدی به نقش هویت فرهنگی در نظام آموزش و توسعه". مجموعه مقاله های سمینار جامعه شناسی و توسعه، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۲). سیری در تربیت اسلامی. ج چهاردهم، تهران: دریا.

۱۴. روایی، سلطنت (۱۳۷۸) پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی، "بررسی چگونگی الگو پذیری دانش آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۱۷ آموزش و پرورش شهر تهران.
۱۵. سجادی، مهدی (۱۳۸۴) "کثرت گرایی فرهنگی، هویت و تعلیم و تربیت (تبیین و ارزیابی)"، اندیشه های نوین تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهرا(س)، دوره ۱، شماره ۱.
۱۶. سعادت فر، انسیه . (۱۳۸۷). انسان شناسی از دیدگاه استاد مرتضی مطهری و اریک فروم، چاپ اول، ناشر: نشر معارف.
۱۷. شیخاوندی، داود. (۱۳۷۹). تکوین و تنفیذ هویت ایرانی. تهران: مرکز باز شناسی اسلام و ایران.
۱۸. عبداللهی، محمد. (۱۳۷۵). "جامعه شناسی بحران هویت. " فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال ۶، شماره ۲۲ و ۲۳، پاییز و زمستان.
۱۹. عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۸۰). " هویت دینی و چالش های آن. " فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال ۶، شماره ۲۲ و ۲۳، پاییز و زمستان.
۲۰. قرآن کریم
۲۱. کاستلز، م. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
۲۲. کلانتری، حسین. عزیزی، جلیل. زاهد زاهدانی، سعید. (۱۳۸۸). " هویت دینی و جوانان : (نمونه آماری، جوانان شهر شیراز). فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ششم.
۲۳. متقی فر، غلام رضا. (۱۳۸۹). "بحران هویت و درمان آن از دیدگاه اسلام".
۲۴. مفتخری، حسین. (۱۳۷۸) "توسعه فرهنگی و فرهنگ ایرانی اسلامی" مقالات برگزیده همایش نقش و جایگاه دولت در توسعه فرهنگی، ناشر: معاونت امور فرهنگی، آموزش و پژوهش سازمان برنامه و بودجه.
۲۵. ملکی، امیر. عباس پور، علیرضا. (۱۳۸۸). "بررسی جامعه شناختی نگرش جوانان نسبت به هویت ملی و مولفه های آن. (مطالعه موردی: جوانان ۲۶ تا ۲۹ ساله شهرستان رود سر ° استان گیلان). برگرفته شده از سایت [www. sid. ir](http://www.sid.ir)، دی ماه ۹۲.
۲۶. منتظر قائم، م. (۱۳۷۷). " رسانه های جمعی و هویت"، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۴۵-۷۶.
۲۷. ویسی، زاهد (۱۳۸۵). "دین ورزی عامه و پیامد های آن (بررسی بنیاد ها، نماد ها و پیامد ها)"، فصلنامه انتقادی، فکری، فرهنگی کتاب نقد، ش ۴۰.